روزگار یک داوطلب

خانه دوست کجاست؟

بودن یا نبودن مسئله این است

شارمین میمندی‌نژاد*

● بود. وقتی که شهر رنگ صبح نگرفته بود. از خانه زمستان ۶۶ بیرون می‌زدم و با به‌هم‌ریختگی نوجوانی‌ام برای گشودن راز معمای بودن با اندکی شعر سهراب به کوچه‌های حجله‌زده جنگ می‌شدم و در بوی خنک صبح و صدای جاروی رفتگر که خواب خیال چهارراه ولیعصر را می‌ربود او را می‌دیدم؛ فیروزه، دختر کوچک فال‌فروش را که با چادر سفید پاره‌اش مثل مه میان درختان پارک دانشجو پیدا و پنهان می‌شد. بود و تا مرا می‌دید به سمتم می‌دوید، از دویدن کودکانه‌اش خجالت می‌کشیدم با آن دمپایی مندرس نامناسب؛ پیش پایش به استقبال می‌نشستم تا نگاهم مبادا از اوجی بر او افتد. چشمان آبی پُر از زندگی‌اش هرچه یأس را از دلت می‌شست؛ تُرد وجود نوجوانی‌ام در مقابل طراوت بازی‌های کودکانه‌اش تازه می‌شد. چه بودنی! با مظلومیت و معصومیتش، بود می‌شدم و با فکر به آن‌همه رنجش، نبود می‌شدم. چرا باید این فرزند لبالب از فقر در خالی این کوچه‌ها پیش از آنکه مردمان از خواب بخیزند به گدایی و فال‌فروشی بیاید و زمستان و تابستان تا پاسی از شب پس از آنکه خواب همه را ربود، کوچه‌ها را ترک کند؟ خانه دوست کجاست؟ به‌راستی او کجا می‌رود؟ پول این فال‌فروشی چه می‌شود؟ دختربچه‌ای دیگر در آن سوی چهارراه، جایی که امروز دانشگاه آزاد قرار دارد، با رسوب گرد غم و درد بر چهره‌اش و معصومیتی که در ۱۰ سالگی تاراج شده بود، می‌نشست. او به هیچ لبخند مهری پاسخ نمی‌داد و هر نگاه را با کاسبی جواب می‌داد و بیشتر اوقات هم دامن کهنه‌اش را بالا می‌زد و پا در جوی آب فرومی‌برد. آب را گل کردند. روی زیبایی در جویبار این شهر گم شده است. شاید این عاقبت نزدیکِ فیروزه کوچک باشد، اما آنچه که مهیب است، آن‌سوی چهارراه ولیعصر ایستاده است؛ درست روبه‌روی نوارفروشی بتهوونِ چمن‌آرا و کنار داروخانه رازی و عکاسی دیاموند. گدا‌پیرزنی که همه روز را به تکدی مشغول بود تا شب که سراغ کسبه چهارراه ولیعصر می‌رفت و پول خردش را درشت می‌کرد تا سنگینی گدایی‌اش را سبک کند و برود. آیا فیروزه شبیهِ آن پیرزن خواهد شد؟ از زمستان ۶۶ به نفس‌های آخر زمستان ۹۵ می‌آیم. هنوز از نهال کوچک خبری نیست. در بازارچه پیشواز نوروزِ جمعیت امام علی(ع) هستم. دختران بلوچ کوچک شهری، بر دستان مشتاق بازدیدکنندگان، گلَواره‌هایی پرپیچ‌وخم از حنای سرخ می‌گذارند. این کارِ پرحوصله و ظریف، تو را نیز به دقتِ ایستادن وامی‌دارد. به صورت زیبای دخترک کوچک نگاه می‌کنم که جمالش با لباس رنگ‌به‌رنگ، دوبرابر شده است. به من گفته‌اند عاقبت همه این کودکان، شبیهِ گم‌شدنِ نهال خواهد بود که نه برگِ فال را به دست مشتری مشتاق آینده بدهد، بلکه آینده خود را ورق‌به‌ورق، برگ پاییزی گذرِ شهوتِ عابران حریص کند. به زمستان خاکستری ۶۶ برمی‌گردم. کسبه برای کار به خیابان آمده‌اند. در این هیاهو چه می‌فروشند و مردم اهل گذر، در این شلوغی چه می‌خرند؟ آن‌هم زمانی که معصومیتِ کودکی بر سر چهارراهِ رفتنشان، گلواره اشک و خون می‌شود. به فیروزه کوچک نگاه می‌کنم. زمستان، همیشه بهار خواهد شد، اما بدا به حالِ روزگاری که بهارش زمستان شود. بودن یا نبودن؟ مسئله این است که در خاکستری صبح، بودنِ کودکی با چشمانی آسمانی، در بی‌تفاوتی مردمان شهر، تبدیل به پیرِ زاری خواهد شد. هرطور که شده، قبل از آنکه دیر شود، در زمستان این سال ۹۵، باید نهال کوچک را بیابم.

***مؤسس جمعیت مردمی دانشجویی امام علی(ع)**

ناشرین آموزشی از رعایت‌نشدن قانون کپی‌رایت و تبعات آن می‌گویند

قاچاق کتاب

شرق، شهرزاد همتی: وقتی صحبت از قاچاق می‌شود، ذهن همه ما به سمت و سوی مواد مخدر و عتیقه‌جات و وسایلی از این دست می‌رود. اما همیشه برای قاچاق‌کردن نیازی به انبارهای مخوف و مواد مخدر و طلا نیست. گاهی یک دستگاه کامپیوتر و چند کانال تلگرامی می‌توانند باعث قاچاق گسترده مواد فرهنگی شوند. مسئله‌ای که در سال‌های اخیر و با ظهور وسایل ارتباط‌جمعی و رسانه‌ای به صورت گسترده، دامن ناشران فرهنگی و آموزشی را هم گرفته. مسئله‌ای که با درنظرگرفتن گرانی کاغذ و نبود معافیت‌های مالیاتی بیش‌ازپیش عرصه فعالیت را برای آنها تنگ کرده است. هرازگاهی هم خبر تعطیلی کتاب‌فروشی‌های معروف کلان‌شهرها و تبدیل آنها به سوپرگوشت و سوپرمارکت به گوش می‌رسد و دلیل این ماجرا راکدشدن بازار کتاب و گسترش انتشار کپی آن در فضای مجازی است. در دو سال گذشته با توجه به گران‌شدن کاغذ بسیاری از ناشران تیراژ خود را به زیر هزار رسانده‌اند و همین ماجرا باعث شده سودجویان راهشان به سمت کالاهای فرهنگی هم باز شود و با دورزدن گاف‌های قانونی اقدام به خرید و فروش آثار ناشران به صورت مجازی و غیرقانونی کنند. هامون سبطی مدیرمسئول انجمن ناشران آموزشی در گفت‌وگو با «شرق» درباره قاچاق کتب آموزشی تصریح کرد: «تولید و پخش غیرمجاز کتاب، مهم‌ترین موضوع مطرح‌شده در جلسه معارفه اصحاب نشر و قلم (در هتل هویزه) با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، اما با وجود آنکه چندماهی از آن جلسه می‌گذرد ما همچنان منتظر اقدامات عملی وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در مبارزه با این آفت شوم هستیم». وی تصریح کرد: «رعایت‌نشدن قانون جهانی کپی‌رایت در ایران، گرچه شاید منافعی گذرا برای ما حاصل کرده باشد اما در درازمدت به روش و منشی ناروا و غیراخلاقی در میان ما دامن زده و آن بی‌توجهی به مالکیت معنوی است که متأسفانه در فرهنگ سنتی ما نیز چندان جا نیفتاده بود. این مشکل سابقه تاریخی و حقوقی دارد. ابوعلی بلعمی در قرن چهارم وزیر فرهیخته سامانیان بود اما پس از ترجمه تاریخ طبری از تازی به پارسی، نام خود را بر متن ترجمه‌شده جریر طبری نهاد و این موضوع قبول عام یافت تا جایی که ما هنوز آن را به نام تاریخ بلعمی می‌شناسیم نه ترجمه و اقتباس بلعمی از تاریخ طبری. دست‌بردن در آثار ادبی از سوی کاتبان عادت دیرینه‌ای بود که باز هم چندان مورد نکوهش و عتاب قشر فرهیخته جامعه نبود و در فقه قدیم نیز به این‌گونه سرقت‌های علمی و فرهنگی به چشم عملی مجرمانه نگاه نمی‌شد زیرا قراردادی میان پدیدآورنده و جاعل یا سارق اثر برقرار نشده بود که بتوان به آن استناد کرد. البته این موضوع ویژه فرهنگ ایرانی نبود و جعل و سرقت علمی در مغرب‌زمین نیز داستان‌ها داشت. اما ادامه حیات و مخاطره‌آمیزترشدن این آفت در ایران امروز، دیگر قابل توجیه و تحمل نیست. شاید مدرک‌ستیزی مدشده در دهه اخیر و همچنین گسترش انفجاری شبکه‌های اجتماعی و صدالبته کم‌توجهی مسئولان به این امر زمینه‌ساز گستردگی این آفت خطرناک شده باشد».

سبطی با اشاره به اینکه اخیرا دیده شده فقط چند روز پس از نشر یک کتاب، پی‌دی‌اف آن به شکل رایگان در سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی پخش می‌شود، افزود: «این یعنی ورشکستگی ناشر و دل‌شکستگی و سرخوردگی پدیدآورنده اثر. با این کار داریم قلم را در دست نویسندگان می‌شکنیم اما به شکل دیجیتال و بدون تولید صدا! صدای نویسنده هم که به جایی نمی‌رسد. این پدیده برای اهالی موسیقی و سینما نیز آزاردهنده و مشکل‌ساز است اما لااقل آنها به رسانه‌ها راحت‌تر دسترسی دارند. خون به دل نویسندگان ما افتاده است و قلم در دستشان شکسته اما کسی متوجه بلایی نیست که بر سرشان می‌آید. در حوزه کتاب‌های آموزشی، گاهی نشر غیرقانونی آثار به دست دختران و پسران ۱۶.۱۵ ساله اتفاق می‌افتد که اصلا هیچ تصوری از زشتی عمل خود و رنجی که بر نویسنده و ناشر وارد می‌کنند، ندارند. اینجاست که بی‌توجهی و کم‌کاری رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما در مسائل عام فرهنگی عوارض ملی‌اش را نشان می‌دهد».

مدیرمسئول انجمن ناشران آموزشی خاطرنشان کرد: «علاوه بر فضای اینترنتی، در فضای مادی نیز چاپ و نشر غیرقانونی آثار ناشران آموزشی، دانشگاهی و عمومی بیداد می‌کند. شبکه‌هایی سازمان‌دهی‌شده به شکل زیرزمینی کتاب‌هایی را که مورد استقبال خوانندگان واقع شده، با کیفیت نازل تولید می‌کنند. این جعالان، چون نه کیفیت چاپ و صحافی را رعایت می‌کنند و نه پول بیمه و کارمند و اجاره و عیدی و سنوات و... می‌دهند و از همه مهم‌تر چون حق مؤلف را هم نمی‌پردازند، کتاب بی‌کیفیت و تقلبی خود را با قیمتی بسیار پایین به پخش‌کننده‌ها و کتاب‌فروشی‌ها به‌عنوان عنوان کالای قاچاق عرضه می‌کنند و متأسفانه خریدارانی هم دارند. این می‌شود که کتاب تازه گل‌کرده ناشر و نویسنده یکباره از تولید بازمی‌ماند و آن لبخند امیدواری گل‌کرده بر لب‌های ناشر و نویسنده ناگاه می‌پژمرد. البته کتاب چاپ می‌شود اما در جای دیگری که هیچ‌کس از آن خبر ندارد. جالب است که کیفیت پایین چاپ و صحافی این آثار، شکایتی است که ناشر باید بابتش به خریداران پاسخ دهد. مؤلفان نیز از افت یکباره تیراژ اثرشان دچار شک و شبهه‌هایی می‌شوند و بار دیگر این ناشر است که باید سکوت کند و خاطر مؤلف را بیش از این آزرده نکند. چه بگوید؟ اینکه کتابت را با کیفیت نازل، دیگرانی تولید می‌کنند و می‌فروشند و سودش را به جیب می‌زنند که ما نمی‌شناسیم و از دست من ناشر هم کاری ساخته نیست! بعید است این سخن، پاسخی التیام‌بخش برای مؤلف فرهیخته و سرخورده آن اثر باشد».

وی در پایان خاطرنشان کرد: «اینجاست که اجرای درست مسئولیت نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند چاره دیرهنگامی برای این آفت رو به گسترش باشد. به دلیل بروز این اتفاقات از سال گذشته واحد حقوقی انجمن ناشران آموزشی به کمک هیئت‌مدیره و سایر اعضا پایه‌گذاری شد. درحال‌حاضر کار ما به اینجا رسید که دادسرای رسانه فعالیت ما را به صورت کامل به رسمیت می‌شناسد و از ما خواسته که برای تدوین شکایت‌های موردی یک رویه قضائی داشته باشیم و با رئیس شعبه رسانه یا دادستان محترم جلسه داشته باشیم؛ اما اینها نیازمند پیگیری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در این زمینه خواستیم از تجربیات ما اتحادیه ناشران هم بهره‌مند شود و صحبت‌هایی هم داشتیم؛ با وجود اینکه وزارت ارشاد برای اتحادیه امکاناتی در نظر گرفته، ما از اتحادیه همکاری عملی ندیده‌ایم. حداقل در این یک‌سال توانستیم چند نفر از قاچاقچیان و جعالان را به مراجع قضائی تحویل دهیم و اقدام به تعطیلی و فیلترینگ سایت‌ها و کانال‌های غیرقانونی کنیم».

وقتی کتاب تقلبی کشف می‌شود، معمولا از کتاب‌فروشی پیدا می‌شود و عاملان اصلی تولید و پخش آن معمولا پیدا نمی‌شود و دادگاه با این مقوله مواجه می‌شود که با یک کتاب‌فروش خرده‌فروش که چند جلد هم قاچاق فروخته، طرف است. در واقع سازوکار مربوط به نظارت در بخش چاپ بسیار ضعیف است

رضا یاری، از ناشران کتب دانشگاهی است که سال گذشته به دلیل داغ‌بودن وضعیت بازار قاچاق کتب آموزشی مجبور به تعطیل‌کردن انتشارات خود شد و حالا در دفتر نشر خود اقدام به چاپ سررسید و سالنامه می‌کند. او به «شرق» می‌گوید: «مدت‌ها بود که می‌دیدیم بازار تقاضای کتاب آن هم در حوزه رشته حقوق که حوزه فعالیت ما بود، کاهش چشمگیری داشته. بعد از پیگیری متوجه شدیم که فایل پی‌دی‌اف کتاب به صورت افست چاپ می‌شود و با مبلغی پایین در شهرستان‌ها به فروش می‌رسد. بارها به نمایندگان فروش ما مراجعه شده و فهرستی از کتاب‌های انتشاریافته از طریق انتشارات ما با قیمتی بسیار پایین‌تر پیشنهاد شده است. این یعنی چاپ غیرقانونی کتابی که حقوق قانونی آن متعلق به انتشارات ماست، در سطح وسیع صورت گرفته است، بی‌آنکه ترسی از آینده وجود داشته باشد. درحال‌حاضر حتی مواردی دیده شده که وقتی دانشجو به کتاب‌فروشی برای خرید کتابی که استادش برای یک ترم معرفی کرده است، مراجعه می‌کند، فروشنده به او دو گزینه می‌دهد: یکی کتاب اصلی با قیمتی متعارف و دیگری کتاب کپی‌شده با قیمتی بسیار پایین‌تر».

همچنین سجاد حجازی، وکیل و مسئول واحد حقوقی انجمن ناشران، درباره فعالیت‌های قانونی انجمن ناشران در موضوع مبارزه با قاچاق کتاب به «شرق» می‌گوید: «حکایت از این قرار است که ما حدود یک سال است در انجمن فرهنگی ناشران آموزشی یک واحد حقوقی تأسیس کردیم، با صد پیگیری امور مربوط به تخلفات عرصه نشر و به‌طور مشخص چاپ غیرقانونی و زیرزمینی کتاب‌ها؛ اما از نظر پیگیری‌های قضائی مشکلات زیادی وجود دارد و دلیل عمده آن وقتی کتاب تقلبی کشف می‌شود، معمولا از کتاب‌فروشی پیدا می‌شود و عاملان اصلی تولید و پخش آن معمولا پیدا نمی‌شود و دادگاه با این مقوله مواجه می‌شود که با یک کتاب‌فروش خرده‌فروش که چند جلد هم قاچاق فروخته، طرف است. در واقع سازوکار مربوط به نظارت در بخش چاپ بسیار ضعیف است و آن چیزی هم که ما از وزارت فرهنگ و ارشاد درخواست کردیم، این بود که اتحادیه انجمن ناشران آموزشی را به‌عنوان ناظران انتخاب کند تا بتوانند سرکشی و بررسی کنند». وی افزود: «امروزه ما نمی‌توانیم مخزن اصلی کتاب‌های قاچاق را پیدا کنیم. شبکه توزیع آنها بسیار پیچیده است و عملا انبار دپوکردن این کتاب‌ها پیدا نمی‌شود. از طرفی به این امور دادسرای فرهنگ و رسانه رسیدگی می‌کند و این دادسرا بازوی انتظامی و ضابطین قضائی‌اش ضعیف عمل می‌کنند به‌این‌دلیل که کارکرد دادسرای رسانه به‌گونه‌ای است که با کلانتری سروکار ندارد و آن برخوردهای ضربتی انتظامی را در دسترس ندارند. این معضلات وجود دارد و ما در تلاش هستیم که این رویه‌ای را که وجود دارد، تغییر بدهیم تا به نهادهای مدنی اختیارات نظارتی داده شود تا آنها بتوانند به مراکز چاپ و پخش کتاب بروند و البته انتظار برخورد جدی‌تری هم از نهادهای قضائی داریم».

رعایت‌نکردن قانون کپی‌رایت، در اولویت قراردادن خرید کتاب و نداشتن دغدغه مسئولان فرهنگی برای اینکه کتاب را در سبد خرید خانواده‌ها قرار بدهند، خودبه‌خود و به اندازه کافی تیشه به فرهنگ کتاب‌خوانی زده است؛ درحالی‌که از ناشران به‌عنوان شریف‌ترین اقشار فرهنگی کشور یاد می‌شود، هیچ‌گاه از دست تولیدکنندگان قاچاق و مافیای فرهنگی در امان نبوده‌اند. حالا با تعطیل‌شدن یک‌به‌یک کتاب‌فروشی‌ها نوبت به ناشران آموزشی رسیده است تا آنها هم کرکره انتشارات‌شان را پایین بکشند و سرقفلی را به اولین قصابی دونبش محله زیر قیمت بازار تقدیم کنند.

یادداشت

عید و حکایت تکالیف نوروزی

نرگس ملک‌زاده*

● اسفند است و خرید عید و صدای هلهله شادی کودکانه در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر. بااین‌حال اگرچه شادی است، اما قطار آموزش‌وپرورش در ایستگاه هفتم خود توقفی نزدیک به ۱۵ روز را تجربه می‌کند. قطاری که فصل یادگیری را لنگان‌لنگان آغاز کرده است و حال که چرخ آن خوب بر ریل تعلیم و تربیت می‌چرخد ناخواسته، ترمزش کشیده می‌شود. پس دوباره حکایت همیشگی است. حکایت تعطیلات نوروزی و مشق‌های طولانی. معلمان نیز سال را با چاشنی ارائه تکالیف نوروزی نو می‌کنند، تا دانش‌آموزانشان بعد از تعطیلات و شروع زمان آموزش، عقبگرد محسوسی نداشته باشند. همان منطق قدیمی، بنویسید تا ملکه ذهنتان شود! از نظر این همکاران به دلیل طولانی‌شدن تعطیلات، دانش‌آموزان نیازمند تکالیف روزانه منطبق با اهداف کتاب درسی هستند. از نظر آنان این دقیقا همان چیزی است که سبب افزایش یادگیری و تقویت مهارت‌های آموزشی دانش‌آموزان شده و این حکایت گذشته بود، اما در این سال‌ها، نوستالژی پیک‌های نوروزی که بر کاغذ و مدادی متمرکز بود، جای خود را با تغییرات تکنولوژی به همراهان دیجیتالی داد که هم‌سفر مسافرت‌های نوروزی بودند. اما تغییرات فقط همین نبود. تغییر در نظام آموزشی و مهم‌تر از آن تغییر در نگرش‌ها، راهی جز تغییرِ جهت ارائه پیک‌های نوروزی باقی نگذاشت و به تدریج مفاهیم روان‌شناسی یادگیری جای خود را در تکالیف نوروزی پیدا کرد و هرساله از کمی‌بودن و تکرار و کسل‌کنندگی فاصله گرفت و بر کیفیت آن افزوده شد. اما آنچه سبب دلپذیرترشدن تکالیف نوروزی برای دانش‌آموزان در این سال‌ها شده است، تأکید بر آموزش‌هایی است که با زمان و شرایط نوروز همخوانی دارد، تمرین‌هایی آزاد که منطبق بر گزارش، خاطره‌نویسی و سفرنامه‌نویسی است. بااین‌همه و با وجود این تغییرات مثبت هنوز می‌توانیم انتظار خود را از دست‌اندرکاران پیک‌های بهاری نکاهیم و خواهان تغییراتی هرچند کوچک اما اثربخش باشیم:

۱- تکالیف نوروزی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ابتکار و خلاقیت دانش‌آموز را تحریک کنند و ایجاد سؤالات تازه در ذهن دانش‌آموز را به دنبال داشته باشند و حس کنجکاوی را در کودکان پرورش دهند.

۲- یادگیری‌های اجتماعی بعضا نتیجه تجربه فردی است و از آنجا که دانش‌آموزان در سنین کودکی هنوز شرایط تجربه مستقل بعضی از اتفاقات را ندارند، درگیری والدین در این یادگیری‌ها و انتقال تجارب به کودکان، اصل مشارکت والدین در افزایش مهارت‌های اجتماعی را برآورده می‌کند و این دقیقا همان چیزی است که در یک آموزش باکیفیت مورد توجه است. توجه به این امر در تکالیف نوروزی می‌تواند در کیفیت‌بخشی به آموزش کودکان مؤثر باشد.

۳- از آنجا که عید نوروز بیشترین توجه را در میان آیین‌های باستانی به خود اختصاص داده، فرصت مناسبی برای آشنایی هرچه‌بیشتر دانش‌آموزان با تاریخ کشور و آیین‌های باستانی دیگر است. چراکه این سال‌ها فرصت مناسبی است که پایه‌های «هویت‌یابی» را در کودکان شکل دهیم و بدون درنظرگرفتن روابط علی و معلولی حوادث تاریخی فقط به شناساندن میراث کهن این مرز و بوم همت گماریم و برای آن چه جایی بهتر از تکالیف نوروزی؟

***عضو کانون صنفی معلمان تهران**

جدول ۲۷۸۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- انعکاس- غذایی ایتالیایی شبیه ماکارونی ۲- پسوند شباهت- نامه‌نگاری- پایتخت پرتغال ۳- پیشکار- سزاوارتر - بوی رطوبت ۴- پادزهر- اثر تربیتی ژان ژاک روسو- نارسانا ۵- پایه و بنیاد- ایالتی در آمریکا- کتاب مقدس هندوها ۶- رمنده- پشته‌ای از ماسه و سنگ که سراسر دهانه رودخانه را بگیرد- پیر کنعان ۷- پول ژاپنی‌ها- چاله بزرگ- گاو شخم‌زن ۸- اتومبیل مخصوص جهانگردی- ناسازگاری ۹- بیشه- پایان، انتها- دشمن باطل ۱۰- عارضه گشادشدن سیاهرگ- طمأنینه- کشور فراعنه ۱۱- پاکیزه- گروه محافظ مقام‌های بلندپایه- وسیع‌ترین قاره جهان ۱۲- ضربه‌ای در بدمینتون- نوعی شیشه رنگی- رهبر حزب نازی ۱۳- نقشه انگلیسی- بی‌رونق- شتر تیزرو ۱۴ - فیلمی تخیلی ساخته آندره نیکول- پیدایش- کیفر ۱۵- از جاذبه‌های گردشگری اصفهان- آنچه موضوع گفت‌وگوی بسیاری از مردم است.

عمودی:

۱- عتیقه و قدیمی- مدرن ۲- تکخال- هادی الکتریسیته- سریع‌السیر ۳- روز بیست و هشتم هر ماه شمسی در ایران قدیم- بزرگداشت- شکل ظاهری ۴- صدای کلفت در موسیقی- کیسه پارچه‌ای برای حمل بار- پرخور ۵- چاردیواری مسقف- دیکتاتور آفریقای مرکزی- حشره خونخوار ۶- سوپ روسی- پیکر- نام مادر امام هادی (ع) ۷- نگهبان ساختمان- تأکید شده ۸- فرمان اتومبیل- به گردن قهرمان می‌آویزند- امپراطور دیوانه روم باستان- سایه ۹- برگشتن- عنوانی اشرافی در هندوستان ۱۰- شور و غوغا- ناگواری- میوه گرمسیری انرژی‌زا ۱۱- سال آذری- بازبینی نوشته- گریزان ۱۲- پهناور- گوشه‌نشینی- رد پا ۱۳- از اندام گفتاری- اداره رسیدگی به موقوفات- زشت و مبتذل ۱۴- سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد- درس‌خواندن- تکرار حرفی ۱۵- بی‌ارزش- پیمان‌نامه.

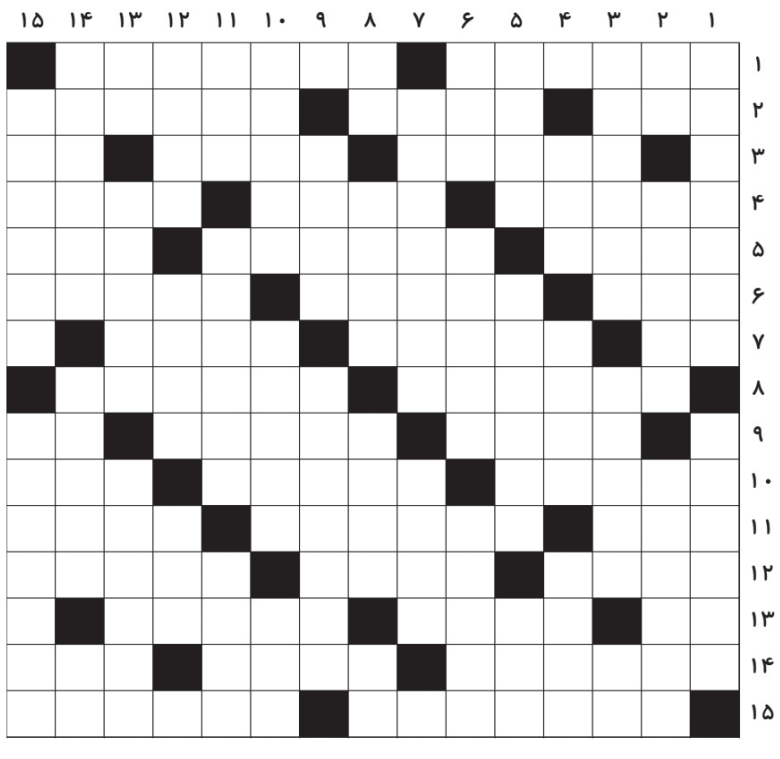

حل سودوکو سخت

۹	۴	۶	۸	۵	۱	۷	۳	۲
۱	۵	۲	۶	۳	۷	۹	۸	۴
۷	۸	۳	۹	۴	۲	۱	۵	۶
۳	۹	۸	۲	۱	۵	۶	۴	۷
۴	۱	۵	۷	۶	۹	۳	۲	۸
۲	۶	۷	۳	۸	۴	۵	۹	۱
۶	۳	۱	۵	۹	۸	۴	۷	۳
۵	۷	۴	۱	۲	۳	۸	۶	۹
۸	۳	۹	۴	۷	۶	۲	۱	۵

حل سودوکو ۱۷۷۸

۲	۷	۴	۱	۵	۶	۹	۸	۳
۳	۶	۱	۸	۹	۷	۲	۵	۴
۸	۹	۵	۴	۲	۳	۶	۱	۷
۷	۴	۳	۹	۱	۵	۸	۶	۲
۱	۵	۸	۳	۶	۲	۴	۷	۹
۹	۲	۶	۷	۸	۴	۵	۳	۱
۶	۸	۷	۲	۴	۱	۳	۹	۵
۵	۳	۲	۶	۷	۹	۱	۴	۸
۴	۱	۹	۵	۳	۸	۷	۲	۶

جدول ۲۷۸۲

سودوکو سخت ۱۷۷۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳					۸	۹	۴	
	۵				۳	۱		۸
۸	۱	۹			۴			
۶	۳		۲					۹
۲						۷		۱
۴	۹						۶	
	۴			۷		۲		
						۶		۵
			۱			۸	۷	

سودوکو ۱۷۷۹

			۵	۱		۳		
۱	۶			۳	۹	۷		
		۹			۷	۴	۱	۵
۴				۹		۸		۷
۸	۹	۳	۷		۴	۲		
		۶		۵		۹		۳
	۲		۱		۳	۶	۸	
			۲	۸			۷	
۶		۸	۹	۷			۳	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.